**مصاحبه با HSSPrivateKabul070618**

**تاریخ 07 جون 2018**

**مصاحبه ده خانه ی مصاحبه دهنده**

ک: وظیفه ی شما ده شرکت؟

HSSPrivateKabul070618: مه مسؤل شرکت تولیدی [نام شرکت] استم که در عرصه ی تولید تجهیزات برق مدت 16 سال میشه که ده کابل فعالیت می کنم.

ک: پس تصمیم گیرنده ی اصلی شما هستید ده شرکت؟

HSSPrivateKabul070618: بله.

ک: شرکت چه تعداد کارگر داره؟

HSSPrivateKabul070618: کارگر بستگی به پروژه ها داره که چون شرایط امنیتی کابل، مسایل چیز گاهی پایین میره و گاهی بالا میره [تعداد کارگرها] او قدر شکل استندرد نیس. چون وضعیت پروژه ها [...] ما ده انکشاف و دستریبوشنِ [distribution] سیستم برق کار می کنیم، بستگی به پروژه داره و بستگی به شرایط داره.

ک: معمولا ده چی حد می باشه؟

HSSPrivateKabul070618: معمولا از بیست نفر به بالا. گاهی اوقات تا 300 نفر ارتقا پیدا می کنه. نظر به پروژه ها است.

ک: کارگرها دایمی هستند یا مقطعی؟

HSSPrivateKabul070618: ما دو شکل داریم. یکی کارگرهای دایمی داریم که تجهیزات برق ره ده کارخانه تولید می کنه و یکی کارگرهای مقطعی داریم که ده پروژه ها برای انستالیشن [installation] پروژه ها همکاری می کنند.

ک: کس های که ده داخل شرکت کار می کنند به اساس یک قراردادی استخدام می شوند و آموزش می بینند یا این که بالمقطع کار می کنند؟

HSSPrivateKabul070618: نه بالمقطع [...] یک تعداد که دایمی داریم که همی 15 تا 16 سال شد که کار می کنند اینها، آنها چی کار باشه چی نباشه آنها معاش می گیرند. ده شرکت هستند [همیش]. تعداد دیگری بالمقطع هستند که پیشتر خدمت شما عرض کردم. که هر وقت پروژه ها گرفته میشه نظر به نیازمندی نظر به تجارب و ارتباطی که ما با آنها داریم ده این 17 سال، بعضی دوست هایی که با ما همکاری کرده اند، آنها ره دعوت می کنیم و شامل کار میشن.

ک: کس هایی که دایمی هستند گفتید تعدادشان ده حدود 20 نفر اس؟

HSSPrivateKabul070618: بله، نسبتا از 20 بالاتر میشه. گاهی وقت!

ک: تولید ده شرکت به چی شکل اس؟ مستقیم با دست، دست و ماشین، نیمه اتومات، کاملا اتومات؟

HSSPrivateKabul070618: تولیدات ما ماشینری اس و همراه دست هم میشه. چون مسأله ی ده تمام دنیا مسأله ی پنل بورد [panel board] ها یا دستریبوشن بوردها انستالیشن اش توسط دست میشه چون بسیاری [...] اما خود باکس ها با ماشینری [تولید] میشه. مسأله ی دیزاینش.

ک: کارگرها باز ده چی عرصه ها دخیل هستند؟

HSSPrivateKabul070618: چیزهای ره که ما تولید می کنیم مثلا میتل شیت [metal sheet] هایی استند که آنها ره توسط ماشین فورم میتن، دیزان میتن. دوباره با رنگ پخته میشه که ده او هم کارگرها اشتراک دارند. و ده انستالیشن و ده دیزایشن ده اکثرش کارگرها اشتراک دارند.

ک: نرخ حد اوسط یک کالای تولیدی تان چند اس؟

HSSPrivateKabul070618: کالای تولیدی ما به یک نوع نیس که به یک سایز تولید شوه. چون نظر به بلدنگ، نظر به ساحه تولید میشه، هر کدامش فرق می کنه. از خُردترینش 100 دالر بگیریم تا 20 هزار دالر هم این قیمت داره.

ک: 20 هزار دالر چی کالایی اس مثلا؟

HSSPrivateKabul070618: 20 هزاری کمپکت سب ستیشن [compact sub station] میگن که ده او پوست های ترانسفورمر یا کیوسک ترانسفورمر ده او جای به جا میشه که قابل انتقال اس از یک جا به جای دیگه. خوس بختانه ما تجاربی که داریم میدان هوایی بین المللی کابل اکثرش از تجهیزات ما اس. و بعضی مراکز مهم دیگری که از قوای ناتو اس هم [...] گر چه به نام شرکت های ترکیه و کشورهای دیگه، ولی تولیدشه شرکت ما کرده و کارمندهای ما کرده.

ک: به اساس سفارش یا تقسیم اوقات؟

HSSPrivateKabul070618: به اساس سفارش یا به اساس اوردر یا قراردادها [تولید] صورت می گیره.

ک: سرمایه ی اولیه: شخصی، قرضه ی بانک، قرضه ی جامعه یا کمک بودجه ای دولت؟

HSSPrivateKabul070618: تا به حال در این 17 سال کاملا شخصی بوده و متأسفانه نه از ان.جی.اویی، نه ااز دولت و نه از کدام بانکی هیچ نوع مساعدتی برای ما صورت نگرفته.

ک: کدام نهادی ده اول برایتان رهنمایی کرد که ده کدام بخش پول تان ره سرمایه گذاری کنید؟ که افغانستان ده این بخش نیاز به سرمایه گذاری داره؟

HSSPrivateKabul070618: کسی رهنمایی نکرده بود و تصمیم از خود ما بود ولی در اوایل فراموش کردم [ذکر کنم] که یک کمپنی از لندن هم بود که آنها علاقمند بودند که تا اندازه ای همراه ما کار کنند و نمی فهمم که [...] آنها علاقمند بودند که ده انکشاف کارهای ما آنها همکاری کنند. یک دوست افغان ما به نام [نام شخص] و دو انگلیس در اوایل تا اندازه ای با ما علاقمندی و تشویق کردند که انتخاب شما ده قسمت تولیدات تجهیزات برق یک انتخاب به جا اس. چون یکی از نیازمندهای اولیه ی انکشاف افغانستان بخش انرژی اس. دیگه کس های دیگری، مثل یک شخص به نام [اسم شخص] از یو.اس.آی.دی آمد فقط برای تشویق عاطفی کرد و دیگر کدام کاری نکرد. [به غیز از اینها] کسی نبوده.

ک: economies of scale؟ ارزش تمامی سرمایه گذاری های غیر قابل انتقال شرکت؟

HSSPrivateKabul070618: ما حدسی که می زنیم ما زیادتر جنس [...] به خاطری که افغانستان محاط به خشکه اس و دسترسی به مواد اولیه یک ذره مشکل اس، ده وقت های که کار بهتر بود ما جنس هایی خوده، ذخایر ره زیادتر کردیم [...] ده حدود یک و نیم میلیون دالر سرمایه ی ما اس از زمین تا ماشینری و زیادترش مواد خام ما اس. مواد خام ذخیره اس.

ک: معاش کارگرهای که ده خود کارخانه کار می کنند؟

HSSPrivateKabul070618: بستگی به شرایط داره. آنها یک امتیازاتی به غیر از معاش هم ده وقت پروژه ها داشتند و دارند. اما معاش مقطعی از حدود 500 دالر همین طور بالا و پایین فرق می کنه. معادل به 500 دالر کارگرهای دایمی ما. از 500 تا 300 دالر، ده همی حدود. ولی همراه با غذا و در صورتی که اضافه کاری می کنند [از ساعت معیین شان] امتیازات دیگری دارند. اینها کس هایی هستند که ده همین شرکت تربیه شده اند و ده همین شرکت با وجود سقوط بازار افغانستان [...] اینه 3، 4 سال شد که حکومت جدید کارها ده افغانستان خوب نیس. ولی چون ما اینها ره تربیه کرده ایم و بالای اینها مصرف کرده ایم، حالی هم همی رسک ره قبول کرده ایم و برای اینها معاش میتیم و اینها ره نگه کرده ایم.

ک: چرا به این باور هستید که افغانستان ده این 3، 4 سال اخیر وضع اقتصادی اش خراب شدده؟

HSSPrivateKabul070618: عملا دیده میشه! سیاست های اشتباهی که دولت داره پروژه ها تطبیق نمیشه. کار نمیشه. موسسات بین المللی کار ره از طریق افغان ها [اجرا می کنند] خودشان [دولت] هم کار نمی کنند و به موسسات بین المللی هم اجازه نمی دهند که ده پروژه های انشکافی کار کنند. این یک ضعف مدیریتی دولت اس. از این خاطر [وضع خراب شده].

ک: خارج شدنِ نیروهای خارجی چی؟

HSSPrivateKabul070618: خارج شدن نیروهای خارجی یک بحثش [یک علتش] اس. ولی ده کل پروژه ها ره [...] قبلا هم که خارجی ها بودند، 80 درصد مدیریت توسط خارجی ها میشد ولی اجرااتش توسط افغان ها بود. کمپنی ها افغانی بودند. این بسیار آسان بود [...] از نظر مه اگر مدیریت خوب میشد، خارج شدن نیروهای خارجی هیچ تأثیری ده بخش انکشاف پروژه ها نداشت [نمی داشت].

ک: گفتید که بیشتر از 16 سال میشه که شرکت فعال اس؟

HSSPrivateKabul070618: بله.

ک: ده وقت فراغت چی کارهایی می کنید؟ برای تفریح و وقت گذرانی؟

HSSPrivateKabul070618: والله گه راست بگوییم ده افغانستان اوقه فراغت و تفریح مردم افغانستان نداره [لبخند]. بدبختانه جایی هم نیس که مصؤن باشه. فقط ده تفریح پس وقت خوده بیشتر با فامیل سپری می کنیم و کوشش می کنیم که پلان های بعدی ره، با کی تماس بگیریم، مشتری های از خارج داریم، با کی تماس بگیریم و مسؤلیت دیگری که مه ده قسمت اتاق صنایع داریم. روی اینها کار می کنیم.

ک: پیش از این که وارد کار صنعت شوید چی می کردید؟

HSSPrivateKabul070618: مه همیشه فامیلم، به اصطلاح، تجارت پیشه بود. ما وقت خوده زیادتر بالای همین مصرف می کردیم و مشغول همین بودیم.

ک: پس از فامیل به ارث بردید همین انگیزه ی ایجاد تجارت ره؟

HSSPrivateKabul070618: بله، اما شکل انویست یا سرمایه گذاری ره از فامیل به ارث نبرده ام و یک تجربه ی خودم بوده و خودم هم تصمیم گرفته ام که افغانستان ده حالتی که اس نیاز به رُشد انرژی داره، ده این عرصه این پلان اولی خودم بود و کدام عضو فامیل مه ره تشویق نکرده.

ک: ولی فامیل قبلا تجارت پیشه بود؟

HSSPrivateKabul070618: بله. فامیل قبلا کارهای تجارت ره می کرد و مه هم کارهای تجارت داشتم قبلا.

ک: حاجی صاحب یک فامیل دارید یا چند فامیل؟

HSSPrivateKabul070618: تقریبا [خنده ی دوامدار] دو فامیل داریم اما یکیش جدا اس و با ما نیس.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

HSSPrivateKabul070618: همیشه مطالعه می کنم ده حالتی که [قطع]

ک: چگونه کتاب هایی ره مثلا؟

HSSPrivateKabul070618: والله [مکث] کتاب هایی ره ده هر بخشی که باشه، مه زیادتر به مطالعه علاقه دارم.

ک: وقت هم میرسه که مطالعه کنید؟

HSSPrivateKabul070618: گاهی وقت میشه. چون به خصوص سه سال حکومت جدید افغانستان به ما بسیار وقت میسر کد که مطالعه کنیم چون کارها کم بود و ما مجبور بودیم که ما خوده ده مطالعه [مشغول می کردیم] نمیشه که ده کوچه و بازار وقت خوده صرف کنیم.

ک: تصویری که شما و مردم از وضعیت مالی شما دارند چیست؟

HSSPrivateKabul070618: مردم [خنده] فکر مردم [این است که ما] از اعضای متمول اس اما مه ده او حد نیستیم و نباید خوده جلوه ی ناحق بتیم. اما درک مردم از [ما] از اعضای متمول اس خو ده هر حال با زندگی شکر می کنیم. ده جامعه. اما نشست ما و شیشت و برخواست ما بیشتر با مردم های متمول اس چون ده بخش صنعت سال های سال، 17 سال شد، یک تجربه داریم.

ک: دوست هایتان بیشتر صنعتکارها هستند؟

HSSPrivateKabul070618: بله، صنعتکارها و همچنان تاجرها هم. ما اگه شناخت کلی بگوییم 80 درصد صنعتکار و تاجر افغانستان با ما آشنایی و ما با آنها داریم، مبالغه نیس.

ک: تحصیلات تان ده چی حد اس؟

HSSPrivateKabul070618: تحصیلات مه ده حد نیمه لیسانس ده بخش طب تحصیل کرده ایم. ده شرایط ناگواری جنگی افغانستان دیگه ادامه داده نتوانستیم و دیگه یک مدتی وظایف هم ده طب زیاد کار کرده ایم و بعد از او هم ده این حکومت هم خوده تغییر رشته داده ایم ده بخش تجارت.

ک: اگه وقتش ره داشه باشید [سه گزینه]

HSSPrivateKabul070618: مسأله ی پولش آن قدر مطرح نیس و زیادتر مه به حوض و این گپ ها کمتر علاقه دارم. بیشتر مه سفر علاقه دارم که [قطع]

ک: کدام کشورها علاقه دارید بروید؟

HSSPrivateKabul070618: هر کشوری که باشه فرق نمی کنه. ما باز زیادتر سفر هم کرده ایم. از اروپا و کشورهای آسیایی دور و نزدیک تا بسته کشورهای آسیای میانه ره دیده ایم اکثرا. خو، سفرها هم کلا ده بخش تجاری بوده و ده بخش نمایشگاه ها بوده و سیاحتی کمتر بوده.

ک: فعلا ده کدام نقطه ی شهر زندگی می کنید؟

HSSPrivateKabul070618: فعلا دفتر تجارتی ما ده شهر نو اس و خود ده ساحه ی خیرخانه زندگی می کنم.

ک: قبلا ده کجا زندگی می کردید، پیش از این که وارد کار تولید شوید؟

HSSPrivateKabul070618: قبلا هم تقریبا سال های زیادی اس که همین خانه ی شخصی ما بوده و ده همینجه زندگی کرده ایم زیادتر.

ک: اطفال به مکتب خصوصی می روند یا دولتی؟

HSSPrivateKabul070618: اطفال ما به مکتب خصوصی می روند. دولتی نیستند.

ک: ده اول به خاطر ایجاد کی ها به شما کمک کردند، اعضای فامیل، دوست ها، خویش و اقارب، یا اعضای جامعه؟

HSSPrivateKabul070618: ما، فامیل هم یک کم یک برادرم ده اول همراهم بود. بعدا او خودش، چون کارهای تجارتی می کرد، از کارهای تولیدی یک ذره خسته کن بود او خوده [کشید]. یک برادرم بود همکار همراهم ده روزهای اول. بعد از او دیگه کسی همکار نبوده ولی دوست ها مشوره و تشویقی از آنها زیادتر بوده. و یک چیزی که ما ره ده بدترین حال مصمم ساخت که این کار خوده ادامه بتیم ده اوایل حکومت موقت یک نمایشگاه بین المللی ده خیمه ی لویه جرگه بود و مه او وقت اولین پنل بورد بسیار کوچک تولید کرده بودم. ده او نمایشگاه بین المللی از روسیه، هند و حتا از جرمنی و کشورهای دور و نزدیک اشتراک کرده بودند. یک نمایشگاه بسیار بزرگ بود. و مه هم یکی از اشتراک کننده ها بودم، یک غرفه ی کوچک گرفته بودم. حتا پرنتر ده او وقت ده کابل نبود، روی یک تکه ی سفید نوشته کرده بودم تولید کابل افغانستان. یکی از مادرها که مهاجر در اروپا بود، سر سفید، آمده بود از نمایشگاه دیدن می کرد، وقتی که آمد چشم اش به تولید افغانستان خورد، یک دم اشک هایش جاری شد و گفت خدا ره شکر که افغانستان دوباره آرام شد و از ظلم و وحشت طالب ها نجات یافت و حالی مردم افغانستان علاقمند این شدین [گویش شمالی] که خودشان تولید کنن. واقعا اشک های همو مادر سر سفید مه ره مصمم ساخت که با وجود همه چالش های که پیش روی صنعت اس، پیش روی تولید اس، و در حکومت های قبلی هیچ نوع همکاریِ برای صنعت نبود، خصوصا حکومت کرزی صاحب که یعنی با صنعت جزئی ترین علاقه ای نداشت. ولی باز هم ما مصممانه ده همین راه کار کرده ایم و ادامه داده ایم.

ک: موتر چند تا دارید؟

HSSPrivateKabul070618: موتر شخصی مه یک دانه داریم ولی ده شرکت هم دیگه موتر اس.

ک: موتر خودتان اس کدام مودل اس؟

HSSPrivateKabul070618: [خنده] موتر لند کروزر اس. موترهای خُرد ره به شما معلوم اس که گاهی وقت که ما ده جاهایی که به جلسات میریم اجازه نمیتن.

ک: حج چند بار رفته اید؟

HSSPrivateKabul070618: یک بار.

ک: چند باب خانه دارید؟

HSSPrivateKabul070618: همین خانه ای که نشسته اید مربط به خداوند است و به ما است. و گاهی وقت ما در مقابل بلدنگ هایی که کار می کنیم ده ماقبل پول اپارتمان ها می گیریم که آنها ره ده مقابل پول به فروش می رسانیم. مه فعلا یکی ده مکروریان [داشتم] که او ره فروختم. یکی دیگه ده چهارراهی سرسبزی کار دیگری ره به انجام رسانده ام ولی بالایش تصمیم نگرفته ام. همو رقم ده عزیزی ده بعضی جاها، چون کار برق یک بخش مهم ساختمان اس، میشه که ده بدلش اپارتمان یا جایداد بگیریم.

ک: مسایل امنیتی بالای صنعت شما تا چه حد تأثیرگذار بوده؟

HSSPrivateKabul070618: طبعا 80 درصد مسایل امنیتی بالای تولیدات ما تأثیر منفی داره و از یک طرف که امنیت خراب میشه خو این بستگی انکشاف یا ساختمان مهم رشدش ده امنیت اس.

ک: تأثیر مستقیمش اما

HSSPrivateKabul070618: تأثیرش همین است که کسی دیگه کار خوده وقتی یک جای مسایل امنیتی خراب شد همو صاحب کارهای ما که سرمایه دارها هستند [می روند] و ما به مردم فقیر نمی توانیم جنس خوده بفروشیم. به مردم های متمول می فروشیم. آنها خانه از وطن میشن [می روند] ارتباط شان قطع میشه. تلیفون های [...] حتا آنها هراس می کنن که روابط مستقیم با آنها داریم با آنها دیل می کنیم و تبادل نظر می کنیم. او [این رابطه] به آسانی برقرار نمیشه. و همین اس که یک سکتگی بزرگ به میان می آیه و حتا پول های ما می مانه پیش مردم و همین طور فرار می کنند و میرن. از این حصه هم مه متضرر شدیم تا اندازه ای.

ک: احساس کرده اید که ده کدام سال از این ناحیه ی مشکل جدی متوجه شما شده؟

HSSPrivateKabul070618: ما دیگه بعد از همی سال 2012 دیگه. بلکه ده 13‌اش خطرات شروع شد بدبختانه بدبختانه اگه بگوییم. یک اشتباهی که از دوست های بین المللی ما بود و هنوز مسأله ی 2014 نشده بود یک کنفرانس اینها ده کابل ستار گرفتند. پیش از پیش به مردم افغانستان یک وحشت ره نشان دادند. که 2014 این رقم وحشت می آیه. ده حالتی که ضرور نبود این ره اعلان می کردند. همی بود که سرمایه دارها فرار کردند. مردم دیگه فرار کرد. ده حالتی که او قدری که اونها وحشت فکر می کردند، نبود. درست، شرایط امنیتی مشکلات خوده داشت اما از نگاه سرمایه به او اندازه ده خطر نبود که کل سرمایه دار ره بگویند که شما دار و ندارتان ره جمع کنید که افغانستانه طوفان می بره.

ک: شما هم ده این فکر افتیدید؟

HSSPrivateKabul070618: ما دیگه راه نجات نداشتیم [از همین خاطر ماندیم] به خاطری که دیپوهای مواد اولیه ی ما ده اینجه جا به جا بود و تا حالی اس. ماشینری ره نمیتانستیم صادر کنیم. ده کل صنعتکارها یگانه کس های که همی ریسک ره قبول کردند و ده ای وطن ماندند بخش صنایع بوده. دیگه راهی نداشتیم ما!

ک: یعنی مفکوره ده بین صنعتکارها همین است که ما مجبور بودیم اینجه باشیم؟

HSSPrivateKabul070618: بله این مفکوره ی کل اس. هیچ راهی نداریم. پول و سرمایه ی ما بند مانده. پول ده زمین مانده پول ده ماشینری مانده، پول ده مواد خام مانده. ما نمیتانیم که اونهایی که هیچ ده بازارهای بیرون هم عرضه کنیم. فقط تاجرهایی که جنس وارد و صادر می کنند دیگه وارد نکردند و سرمایه ی خوده ده بیرون و ده دیگه کشورها به کار انداختند. اما بخش صنعت یگانه کسی که ریسک ره قبول کرد و ماند ده این وطن بخش صنایع بود. و راهی هم نداشت که از این نجات [بیابه]. اگه ما کل سرمایه ی ما به پول می بود شاید ما هم نمی بودیم [خنده].

ک: تصمیم گیری متمرکز اس یا غیرمتمرکز؟

HSSPrivateKabul070618: بله متمرکز اس. اما مشوره می کنیم. با بخش تخنیکی و بخش رییس تولید که اس از نگاه تخنیکی بعضی موارد با مشوره میشه.

ک: چند نفر اس کس های که همراهشان مشوره میشه؟

HSSPrivateKabul070618: یک 4، 5 نفر اس که اهل نظر استند. یکی اش ده رأس و دیگرهایش هم.

ک: همراه کارگرها چی؟

HSSPrivateKabul070618: کارگرها نظر نیس [از کارگرها نظر گرفته نمیشه] ولی برای تطبیق پروژه های جزئی که چه قسم سهولت ها به وجود بیاوریم و از کدام راه پیش برویم، او وقت باز با کارگرها مشوره می کنیم ده کارها.

ک: کارگرها برعولاه معاش چی می گیرند؟

HSSPrivateKabul070618: از ساعت تعیینی که بالاتر میشه حق الامتیاز دیگه برایشان داده میشه. روزهای جمعه اگه اضافه کاری می کنند [...] ده کل همین بخش ها اس. گاهی وقت بعضی خدمات دیگه هم. کمک های ده شرایطی که مثلا اگه برای آنها خدای ناخواسته ده فامیل شان کدام مصیبتی میشه از نگاه پولی کمک کرده ایم. مریضی های داشته اند که کمک کرده ایم. دیگه [قطع]

ک: سه وقت؟

HSSPrivateKabul070618: نانشان خو دایم است از طرف ما و ما هیچ مشکلی نیس و گاهی وقت ده فامیل شان مریضی میشه و اینها رخصتی ها طولانی دارند.

ک: جای بود و باش چی؟

HSSPrivateKabul070618: جای بود و باش برایشان مهیا است اگر جایی که ده پروژه ها میرن توسط موتر و این گپ ها، ترانسپورتیشن شان برایشان میشه [آماده میشه]، مسأله ی غذایشان اس. این کمک هایی اس برایشان.

ک: آنها خو باز شامل کدام تشکل یا کدام اتحادیه ی کارگری [قطع]

HSSPrivateKabul070618: نه این چیزها نیستند.

ک: تمامی تصمیم گیرنده از افغانستان؟

HSSPrivateKabul070618: بله.

ک: مشوره با دیگره شرکت های که ده عین صنعت مصروف کار هستند؟

HSSPrivateKabul070618: ما ده کل کمیته ی تولید کننده گان تجهیزات برق داریم ده کابل که مسؤلیت ریاست کمیته به دوش مه اس. و مه کوشش می کنیم که از طریق مشوره ها یکی به دیگه. گر چه تا به حال حمایت دولت ره نگرفته ایم. شکل انفرادی با کل مراجعه می کنیم. یا حمایت کدام دونر بین المللی ره نگرفته ایم. اما ده کل ما یک تشکل داریم. مشورهای خوده می کنیم. روی بعضی موضوعات جر و بحث خوده داریم. کمیته ی تولید کننده گان تجهیزات برق ده افغانستان داریم، زیر چتر اتاق صنایع و معدن.

ک: ده قسمت دسترسی به مواد خام یا یک بازار نو یا شرایط تجاری نو، این طور وقتی شده که از شما کسی مشوره گرفته باشه یا شما از کسی مشوره گرفته باشید؟

HSSPrivateKabul070618: بله. چون ما سال هایی اس که معاون انجمن صنایع افغانستان هستم و ده سفر چه به اروپا و چی به کشورهای مالیزیا و اندونیزیا و ترکیه و چی به روسیه و کشورهای آسیای میانه زیادتر سفر کرده ایم، بعضی دوست هایی که کار میشه به مواد اولیه ، آنها نظر خواهی می کنن. بعضی کمپنی اکثرش از ما کمک می خواهند. رهنمایی می خواهند. در این کار ما همکارشان هستیم. ما همیشه همکاری کرده ایم. هر فابریکه ای که تولید میشه نیاز به این اس که، بخش برق یکی از اولین چیزش اس [ترتیبات اش اس]. ده این قسمت از ما مشوره می گیرن. بعضی تجهیزاتی که نیاز دارند در افغانستان پیدا نمیشه مشوره می گیرند که از کجا تهیه کنند با کی باید روابط برقرار بکنیم. این کارها اس.

ک: ده قسمت دسترسی به کمک های دولت هم وارد مذاکره شده اید؟

HSSPrivateKabul070618: ما دها و صدا مذاکره داشته ایم و تفاهمنامه ها حتا دولت با مسؤلین بانک یک تفاهمنامه ی امضا کرده ایم که ده حدود دو صد میلیون دالر ما به شما کمک می کنیم. اما کلش روی حرف اس و عوامفریبی اس و ده عمل نیست. ما با بانک ملی یک قرارداد ره سال قبل کردیم، با ای.آی.بی بانک همین رقم چندین تفاهمنامه امضا کردیم. اما وقتی که ده عمق قضیه میرویم، میگه که جایداد شما که 5 میلیون دالر می ارزه، مه ده یک میلیون ده قرضه می گیرم، ده تضمین این ره می گیرم. و قسطاش هم، تکتانه‌اش خیلی بالا اس. زمانش هم کوتاه. اینی مشکلات هایی اس که دیگه صنعتکارها دیگه ده یک بن بست [هستند]. اول اونو شکل نمایشی چی می کنن [وعده میتن]. وقتی که ده عمق قضیه می رویم، به یک بن بست جدی مواجه می شویم. به شما معلوم اس که بخش صنایع این نیست که مواد خریده شوه و تا او تولید شوه و به بازار عرضه شوه زمان می بره. این وقت کوتاه مدت نمیشه که ما یک کانتینر جنس ره از بیرون بخریم و یک ماه ره ده بر بگیره که تا کابل برسه و یک ماه هم فروش شوه. ظرف دو ماه پس دوباره به پول تبدیل شوه. از این خاطر ما تفاهمنامه ها داشتیم. قراردادها داشتیم. مذاکره ها. هیچ کدامش جنبه ی عملی تا به حالی نگرفته.

ک: آنها چی گفتند که اگه یک جایگاه 5 میلیون دالر داشته باشید [قطع]

HSSPrivateKabul070618: مثلا یک تضمینی می گیرند و او ره قیمت گذاری هم خودشان می کنند و باز ده نظر خودشان او ره 50% می کنند. جایدادی که یک لک می ارزه او ره 50 هزار و از 50 هزار هم ده 30 هزار باید محاسبه شوه، تضمین و ده بدل همین باید پول [قرضه] داده شوه. و او ره هم به وقت و مدت کم و تکتانه‌اش [interest] بالا. دیگه از این خاطر اس که هیچ کدام تنیجه ای تا به حال ما نگرفته ایم. و هیچ! قرض می گن ولی ده عمل نمیتن.

ک: به دیگه صنعتکارها چی؟

HSSPrivateKabul070618: دیگه صنعتکارها هم. کس هایی ره که داده ام چون او شرایط ره پوره کرده نتوانست یک ریسک ره قبول [...] قوی شد و رفت حتا دار و ندار خوده از دست داد.

ک: شما این طور کدام موردی ره ده ذهن ده یاد دارید که کسی قرض گرفته باشه و [قطع]

HSSPrivateKabul070618: مه نمی خواهم که نام دوست ها را یاد کنم ولی روزمره شما از تلویزیون ها می بینید [خنده]. هفته ی قبل هم ای.آی.بی برای ما زنگ زد ما گفتیم که او شرایط شما برای ما معولم اس. تشکر! اگه نی ما هر روز نیاز داریم به کمک مالی. ده پروژه ها. ما ده بخش صنایع کمک مالی شوه یعنی رشد بسیار قوی می کنه و برای صدها نفر کار پیدا میشه. ما همی حالی پروژه ای زیر دست داریم که مطالعات دقیقش شد که ده ظرف نُه ماه کل سرمایه ره کور [cover] می کنه و نیاز اولی افغانستان اس. خصوصا ده بخش تولید کیبل های برق. ما ده افغانستان نداریم و به صدها میلیون دالر کیبل از بیرون وارد می کنیم. با 6 میلیون دالر ده ظرف نُه ماه که کلِ 6 میلیون ره کور [cover] کنه ما مطالعاتش ره کرده ایم که [میشه تولید شوه] اما نمیشه. جایش هم اس، امکاناتش هم اس، مارکیتش ره هم داریم. همه چیزه داریم.

ک: پس نهادهای مالی برای شما کمک نمی کنند؟

HSSPrivateKabul070618: نمی رسانه هیچ.

ک: ده محلی که زندگی می کنید حتما یک شورای محلی وجود داره، یا یک چیزی، یا جامعه مدنی، همراه اینها ارتباط دارد که آنها آمده باشند از شما درخواست کمک کرده باشند یا شما رفته باشید و گفته باشید که ما به عنوان صنعتکار این کارها را [قطع]

HSSPrivateKabul070618: بله ما با شورای محلی کلا چیز داریم [همکاری داریم]. مثلا یکی از بخش های بسیار عمده اش که بود این ساحه بسیار ده جنگ های تنظیمی بسیار برقش فرسوده شده بود و زیاد راکت ها خورده بود از طرف بعضی کس های که کابل ره راکت باران می کردند، کلش توته و پرچه شده بود [سیستم برقش]. باز همی مردم محل بارها از ما تقاضا کرد که خودت چون ده بخش برق هستی اگه همکاری کنی. ما تقریبا بعد از سه سال زحمت توانستیم یک مقدار کیبل ها ره اینجه بیاوریم و نصب و انستال کنیم و مشکل مردم محل ره حل بسازیم. خوش بختانه مردم محل هم راضی است از این کار. همین قدر کار کردیم. بخش های دیگری هم است که کمک می خواهند.

ک: این طور وقتی هم شده که فکر کرده باشید که آخر راه رسیده اید ده صنعت؟

HSSPrivateKabul070618: مه گفتم که این مأیویسیت ها بوده ولی راهی نداشته ایم. از ناچاری باقی مانده ایم.

ک: کدام سال بوده؟

HSSPrivateKabul070618: همو کمپین و اختلاف های 2014 که بسیار مأیوس کننده بود و هیچ راهی نبود [که ما برویم بیرون]. همی حالی هم ما جنس های سرمایه ی ما بند اس. مه حتا خود ما مشکلاتی که ده شهر نو چیز که شد مقابل او دفتر مه اس، سرمایه ی زیاد مه همین حالی قفل اس نمیرم [رفته نمیتانم]. اصلا نمیتانم رفته. اگه ده پروژه ها لازم بشه بروم ده غیر او روزمره ما نمیتانیم اونجه برویم.

ک: کاگرها باز چطور میرن؟

HSSPrivateKabul070618: کارگرها خو ده کارخانه اس ده پل چرخی. ده پارک صنعتی. باز اونجه خوشبختانه یک ذره مصؤن اس نسبت به اینجه.

ک: بازاریابی و فروشات ده کدام شهر؟

HSSPrivateKabul070618: ده سال های قبل از 2014 ده کل افغانستان بود. زیادتر به موسسات بین المللی ما به فروش می رساندیم. ما مثلا مزار شریف ره همی قول اردویش ره توسط قوای ناتو تمویل شد، قراردادشه ما کردیم. تجهیزات برق اش ره ما رساندیم. ده جلال آباد کرده ایم. یعنی هیچ نقطه ای از افغانستان نبوده [که ما کار نکرده باشیم]. هیچ نقطه ای از افغانستان نبوده از هلمند گرفته تا ولسوالی برمل پکتیا از تجهیزات ما خریدند بردند نصب کردند.

ک: بیشتر ده کدام شهر بود اما؟

HSSPrivateKabul070618: بیشتر ده کابل.

ک: آخرین باری که بالای توسعه ی شرکت پول مصرف کرده اید کدام وقت بوده؟

HSSPrivateKabul070618: مه آخرین بارش ده سال 2013 بود که ده مزار شریف یک زمین 4 هزار متر زمین خریدم و یک مقدار ساختمان هم ساختم. اما بعد از این که با شکست رو به رو شدیم تا حال اونجه ماشینری نگذاشتیم ولی پلان دارم که انشاالله اگه اوضاع خوب شوه سر او کار کنم.

ک: چرا این پلان بر هم خورد؟

HSSPrivateKabul070618: خو مشکلات مالی بود اگه نی از دیگه لحاظ مزار شریف خوشبختانه یک ولایت امن اس. دیگه برای فروشات ما هم هیچ مشکلی نبود. فقط بخش مالی و اقتصادی بود که جنسی که ما داشتیم اینها به پول تبدیل نشد، ده گدام ها ماند و ما نتوانستیم که این ره پیش ببرم.

ک: ده قسمت مواد خام، مواد خام ره از کجا به دست می آورید؟

HSSPrivateKabul070618: ما چند نوع تولید داریم. یک بخش مربوط به آهن باب و آهن چادر اس که او ده بازار کابل پیدا میشه و جنس روسی اس. مسأله ی رنگش که او ره الکتروستاتیک میگن از نشنل پینت [national paint] امارات می آوریم. اما آمدیم بخش تجهیزات دیگرش که جنس های ایتالیا و فرانس و جرمنی اس. همو مسأله ی بریکرهایش او ره از کشورهای مختلف وارد می کنیم.

ک: مواد خام داخلی هم استفاده می کنید؟

HSSPrivateKabul070618: مواد خام داخلی متأسفانه ده بخش برق هنوز وجود نداره.

ک: کارخانه ای نیامده به شما گفته باشه که ما یک بخشی از تولید شما ره تولید می کنیم به حیث مواد نیمه خام؟

HSSPrivateKabul070618: هنوز ما این طور کارخانه ای نداریم که چیزی که ما نیاز داریم ره تولید کنیم. ده کل افغانستان بدبختانه بگوییم، شوربختانه بگوییم ده 4 هزار شرکت ساختمانی ستندرد داشتیم اما ده بخش برق ما 4 دانه شرکت ستندرد نداشتیم که با یک سرمایه ی بزرگ تولید کنه. و نه دولت و نه سازمان بین المللی و نه سرمایه گذارهای خارجی ده این قسمت توجهی نکرده اند. اگر نه این بخش بخشی مهمی اس برای انکشاف یک کشور.

ک: سطح فروشات شما ده یک سالی که گذشت، چند تُن میتانه باشه یا به چی اساس او ره ارزیابی می کنید؟ مثلا معیار موفقیت شما چیست ده یک سال؟

HSSPrivateKabul070618: معیار موفقیت ما نظر به پروژه ها تفکیک میشه. ما شکل آیتم‌وار نیست و این یک جنسی نیست که روتین [routine] باشه که مثلی یک بوتل آب باشه که ما بگوییم اینه ما یک 5 لک بوتل آب تولید کردیم. این ظرفیت های بالا و پایین داره اما مهم ترین معیارش این است که محاسبات ما نظر به پروژه ها اس که ما چقدر پروژه ره انجام دادیم. بعد از او محاسبه می کنیم که چقدر ده این پول مصرف شده و چقدر انکم [income] داره.

ک: فیصدیِ که از مفاد یک پروژه به کارگرها میرسه چند اس؟

HSSPrivateKabul070618: از 5 تا 10 فیصد خو ده افغانستان عاید پروژه ها نیست! همو از 1 تا 5 فیصد به کارگرها میشه.

ک: شاگردها بیشتر از کجا هستند؟

HSSPrivateKabul070618: از کل افغانستان اس و فرق نمی کنه که از کدام سمت اس و از کدام ملیت اس. این گپ ها تبعیض و چیزها نیس.

ک: معیار استخدام چیست برایتان؟

HSSPrivateKabul070618: تجارب و اخلاق کاری شان اس. بعضی شاگردهای استند که یک مدت زیاد ما آنها ره تربیه کرده ایم پس یک کسی دیگری یا به خاطر این که شرکت ما ره ضربه بزنه برایش یک چهار روپیه بالاتر قایل شده و رفته و دیده که بار نیافته و باز آمده [پیش ما]. اما بعضی کارگرهای ما بوده که با معاش قناعت کرده و ما هم ده بیکاری برای آنها معاش پرداخت کرده ایم.

ک: ماشین آلات به درد تولید فعلی تان می خوره؟

HSSPrivateKabul070618: ما ده کارهای دیگه هم از این ماشین کار می گیریم. مثلا ده بخش هایدروپاورها ما پنس توک ها تولید می کنیم. دده بخش ستیل سترکچر کار میته ماشین ما. وییرهاوس ها و این چیزها. ده هر چیزی کار میته.

ک: اما شما ده کدام بخش بیشتر [...] تولیدات شما بیشتر محدود به همین بخش برق باقی مانده یا؟

HSSPrivateKabul070618: ما ده بخش برق باقی مانده ایم اما کارهایی ره ده بخش های دیگه هم انجام داده ایم. اگه کار پیدا شوه منشکلی ده بخشش نداریم هیچ.

ک: تولیدات ده گدام باقی مانده؟

HSSPrivateKabul070618: بله فعلا زیاد باقی مانده. خیلی زیاد باقی مانده. تولید کرده ایم و باقی مانده. علتش هم این که مشتری اش فرار کرد. یک ایرانی بود. تقریبا اول خوده بسیار کلان چی کد [جلوه داد] و همراه وزارت شهرسازی اینجه قراردادی بود. به ما اوردر داد و حتا ادوانس هم پرداخت کد. بعدا خیست فرار کد و اجناس پیش ما مانده و پول ره هم برد.

ک: حالی امکانش نیس که پیدایش کنید؟

HSSPrivateKabul070618: نی امکانش نیس.

ک: رقابت با رقیب های خارجی چی؟

HSSPrivateKabul070618: ما از نگاه کیفیت خوشبختانه با همه رقیب ها رقابت می کنیم. هیچ مکشلی نداریم. بلکه مه مطمین برایت میگم که از کشورهای همسایه خصوصا آسیای میانه [...] همی حالی که ما برای نمایشگاه به تاجیکستان رفتم آنها علاقمند شدند که تولید ما ره بخرند. یعنی کیفیت ما بلاتر از بعضی همسایه ها است. با ترکیه ما رقابت می کنیم از نگاه کیفیت. اما از نگاه بخش ماشینری و از نگاه بخش پولی حمایت دولت [...] آنها که دولتشان برایشان سپورت می کنه، ما صفر هستیم. ما نمیتانیم.

ک: ولی ده بازار چی؟ که مثلا مال شما خریده نشده باشه و از یک خارجی خریده شده باشه؟

HSSPrivateKabul070618: بله این یک بخش بزرگ [چالش] اس. بدبختانه افغانستان مسأله ی گمرکاتش مصون و سیف نیس. جنس بسیار بی کیفیت همی حالی هم از پاکستان می آیه. بدون مسؤل [تعرفه] و بدون این که چیز شوه و به یک قیمت ناچیز ده بازار عرضه میشه. همو یک رقابت منفی اس که ما

ک: نرخ تعرفه چند اس، اگه بالا بره شما فکر می کنید که تأثیر داشته باشه بالای فروشات شما؟

HSSPrivateKabul070618: صد فی صد. یکی نرخ تعرفه است و یک چیز دیگه ره شما باید بپذیرید. بد اس که ما از کشو خود چیز [شکایت کنیم]. چند ولایت است که به نام خوده تابع افغانستان می گیرند و لی خود به خود ده خدمت پاکستان استند. همی حالی پول پاکستان [در آنجاها رواج داره] و حتا خُردترین غذای روزمره یشان ره از پول پاکستان می گیرند. پول افغانستانه می گیرند پس او ره ده بازار به پول پاکستان تبدیل می کنن از او مصرف روزمره می کنن. همونها از هر کوه و دره جنس پاکستان ره به قاچاق می آورند که هیچ ده گمرک افغانستان نمی آیه. صفر است. ولی وقتی که ما جنس وارد می کنیم از طریق میدان هواییت بین المللی کابل تا 19.5% الی 21% ما تکس می پردازیم. این 21% ره ببین با 0%؟ این یک ضربه ی بزرگ اس!

ک: شما معمولا به قرض می فروشید یا به نقد؟

HSSPrivateKabul070618: گاهی وقت به نقد و گاهی وقت به قرض.

: ک: معمولا؟

HSSPrivateKabul070618: معمولا حالی که مردم اقتصادش ضعیف اس قرضه اس.

ک: به شکل اوگرایی اس؟

HSSPrivateKabul070618: از ما جنس هایی نیس که اوگرایی و روزمره به فروش برسه. مثلا ساختمانشه می فروشه، پول می گیریم از این مدرک میتیم.

ک: بازاریابی تان به چی شکل صورت می گیره؟ رو در رو یا از طریق تلیفون و تکنولوژی مدرن؟

HSSPrivateKabul070618: ما از انترنت هم قبلا استفاده کرده ایم که کارها خوبتر بود. از طریق تلویزیون همیشه اعلان می دادیم. از طریق بروشرها و این گپ ها استه.

ک: بیشترین نوع باید رو در رو ببینید همراه مشتری یا از طرزیق تلیفون هم میشه که بدون این که شما ره ببینه و شما اعتماد کنید بالایش؟

HSSPrivateKabul070618: بخش کاری ما مثل از این هر ساختمان هر پروژه همو شرایط خاص خودش ره داره. تا رو در روی نشه تلیفونی نمیشه. قبلا عرض کردم برای شما که جنس روتین نیست که مثل جوس و آب باشه. او رقم نیس. مثل نقشه دیازین میشه، تبادل نظر میشه، جر و بحث میشه [...] همی حالی ما سر یک پروژه ای که 5، 6 دانه فابریکه ی ما که قرار اس که برق بگیره، اینه یک ماه شد که ده همو مصروف هستیم. دیروز هم ده همو جلسه بعد از ظهر بودیم. تبدال نظر می کنیم، افهام و تفهیم میشه و بعد از او تصمیم گرفته میشه.

ک: ده یک روز معمولا چند ساعت شما کار می کنید؟

HSSPrivateKabul070618: حالی خو وقت ها کارها ده افغانستان چیز اس اگه نی قبلا معمولا 10 ساعت و گاهی وقت 15 ساعت ده یک روز ما کار می کردیم.

ک: معمولا؟

HSSPrivateKabul070618: معمولا ده بین همو 10 تا 15.

ک: ده فکر نوآوری هم می افتید؟

HSSPrivateKabul070618: صد فیصد همین پلانی که مه دارم، مه گفتم که اگه خدا بخواهه همی کارخانه ی مزار ره راه بندازیم این نوآوری است که بخش تولید کیبل و وایر و این گپ ها ره بکنیم.

ک: منظورم ده خود تولیداتان بود، ده قسمت پکجنگ یا ده [قطع]

HSSPrivateKabul070618: ها ده اینها هم نوآوری میشه. نوآوری میشه. ده همه چیز.

ک: ده این باره همراه کی گپ می زنید؟

HSSPrivateKabul070618: خوب ما با بخش مسؤل تولید گپ می زنیم ولی تجارب ره از دیگه جای می گیریم. وقتی می بینی که ده یک نمایشگاه دوبی یا [قطع]

ک: آخرین باری [قطع]

HSSPrivateKabul070618: آخرین بار دیدیم که یک چیز نو آمده میگیم ده فلانه کشور اینی چیزه دیدیم.

ک: همین آخرین باری که ده تولیدتان تغییر آوردید کی بوده؟

HSSPrivateKabul070618: تقریبا همو سال 2010 بود. اولین وقتی بود که ما یک سبکی ده افغانستان [...] دولت هنوز بسیاری اش ده بخش انرژی 10 یا 5 درصدش ره هم نمی فهمه، بخش سیستم مونتاژ بریرکرهای پیشرفته بود، اولین بار بود که ما این ره تطبیق کردیم ده پروژه های میدان هوایی. بسیاری حیران ماندند که این چی اس. ولی ما خوشبختانه او ره کار کردیم.

ک: ده بخش های غیرصنعتی هم سرمایه گذاری کرده اید؟

HSSPrivateKabul070618: نکرده ام. به غیر از بخش صنعت ده بخش ساختمان هم ما کار کرده ایم.

ک: شرکت ساختمانی هم دارید؟

HSSPrivateKabul070618: بله ده طول 16 سال ساختمانی هم کرده ایم. و یکی از دستآوردهای بزرگ او این بود که ما ده ولایت بغلان ولسوالی اندراب یک پل 80 متره ی ستیل سترکچر ره از کمک های کشور شاهی هسپانیه بود، و او ره می گفتند هیچ افغان نمیتانه. اولین وقت بود که مه او ره او پل ره جور کردم. هم بخش ساختمان اش ره هم مونتاژش ره. و هم یک سرتیفیکیتِ بسیار بالا از بخش یونپس UNOPS گرفتم.

ک: سوال آخر: انگیزه ی شما؟

HSSPrivateKabul070618: اوایل این بر می گیره به جلسه ی بن. ما ده داخل افغانستان شامل گروپ هایی بودیم که مخالف طالب ها و ترویست ها بودیم و یکی از خبرنگارها رییس هئیت حکومت دولت اسلامی افغانستانه ده او وقت سوال کرد که کسانی که مخالفین طالبان استند بعد از این که طال ها سرنگون شوند چی کار خواهد کردند. ده او وقت رییس هیئت که آقای قانونی بود گفت که کس های که امروز قهرمانی می کنند و از کشور ده مقابل تروریست ها دفاع می کنند، فردا قهرمان سازندگی خواهد شدند. و مه وقتی که او ره شنیدم فکر کردم که قهرمان سازندگی که حالی مسؤلیت داریم بعد از دفاع در مقابل تروریست ها، چی باید بکنیم ده بخش ساخت وطن؟ یک بخش عمده اش بخش انرژی اس. باید مه ده همی عرصه تصمیم بگیرم و کار کنم. همو ده ذهنم ده یک شب بود که گشت.

ک: از جنبه ی مالی اش چی؟

HSSPrivateKabul070618: او وقت جنبه ی مالی اش ره ما زیاد سرش فکر نمی کردیم. ولی یک چیز مهمی بود. ده او وقت ده کابل برق نبود. مردم افغانستان هیچ جایش و ولایات که اکثریت برق نداشت و کابل هم برق نداشت، بعضی با جنریترهای دیزلی چی می کردند. مردمی که توانایی مالی نداشتند بعد از یک هفته، دو هفته برای یک ساعتی که برق می آمد، طفل ها با خوشحالی از کوچه ها می دویدند، به طرف خانه. که برویم تلویزیون ببینیم که اینه برق آمده. صدا می کردند! این دیگه بسیار جالب بود ده این بخش چیز. و مه همو وقت اقدام کردم و مه اولین شرکت تولید کننده ی تجهیزات برق ده افغانستان مه بودم. و حمایت مالی و دولتی نشدیم که اوقدر رُشد کنیم. ولی از افتخارات ما اس که یکی از اولین شرکت های تولیدی تجهیزات برق هستم.

ک: تشکر حاجی صاحب!

HSSPrivateKabul070618: تشکر از شما هم!